

# دعوت از نمایندگان نهاد های مدنی و دموکراتیک ایرانیان به پارلمان اروپا

گزارش از انور میرستاری

پس از کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ در ایران، نمایندگان پارلمان اروپا در کمیسیون امور روابط ایران و اروپا به ریاست خانم باربارا لوخیلر، از حزب سبزه‌های اروپا و رئیس پیشین سازمان عفو بین الملل آلمان، تصمیم گرفتند به ایران مسافرت کنند و با مسئولین دولتی و هم چنین با نمایندگان قشرها، احزاب، سازمان های مدنی و زیستگاهی در ایران، از نزدیک و بطور حضوری دیدار نمایند تا بتوانند ارزیابی درستی از وضعیت حقوق بشر در ایران داشته باشند.

دولت ایران با این سفر مخالفت کرد. چرا؟

درواقع، دولت ایران مانند دوره های پیشین انتظار داشت که این نمایندگان فقط با ارگان های رسمی و نیروهای خودی دیدار کنند.

اما این بار چنین نشد. زیرا هم نمایندگان اروپا مصمم بودند با مردم ایران و نهادهای مدنی و بویژه با زندانیان سیاسی و یا خانواده‌های آنها ملاقات کنند و هم نهاد ها و شخصیت‌های سیاسی و مخالف دولت آمادگی خود را برای گواهی دادن و افشای جنایت های انجام شده اعلام کردند.

خانم لوخیلر ادامه مذاکرات و روابط ایران و اروپا را به دیدار خود و دیگر نمایندگان از ایران منوط کرده بود. رژیم ایران از لحاظ دیپلماتیک نمیتوانست به این درخواست پاسخ منفی دهد، اما به خیال خود با آنها بازی سیاسی می‌کرد و آنها را به عقب می‌انداخت.

دولت ایران بالاخره، پذیرفت که هیئت اروپایی از ۳۱ اکتبر تا ۴ نوامبر به ایران بروند.

درست یک ماه پیش از این برنامه، خانم لوخیلر به ریاست کمیسیون حقوق بشر اروپا برگزیده شد و از مقام خود استعفا داد و به جای

وی، خانم تاریا کرونبرگ از حزب سبزه‌های اروپا و وزیر امور خارجه پیشین کشور فنلاند به ریاست روابط ایران و اروپا انتخاب شد.

اما این بار نیز زنان و مردان مبارز در داخل کشور، چون همیشه، تمامی خطرات را آگاهانه به جان خریده و آمادگی خود را برای دیدار این هیئت، حتی در حضور ماموران اطلاعاتی و یا در زیر دوربین‌های مخفی و شنودهای امنیتی‌ها بیان داشتند. مادران خاوران و جانبختگان دهه ۶۰، مادران داغ‌دیده پارک لاله، نمایندگان دانشجویان، خانواده‌های وکلا و روزنامه نگاران زندانی، نمایندگان کارگران، دانشجویان، اقلیت‌های قومی، مذهبی، دراویش، بهایی‌ها و زیستگران و استادان دانشگاه‌ها اعلام کردند که حاضرند در باره مشکلات خود و جامعه و مشکلات زیستگاهی مانند مسائل دریاچه ارومیه، رودخانه زاینده رود، انرژی اتمی و بمب اتمی... گفتگو کنند.

درست یک روز پیش از این مسافرت، در حالی که تمام نمایندگان چمدان‌های خود را بسته بودند، بار دیگر رژیم ایران با دیدن لیست ناراضیان به وحشت افتاده و سفر نمایندگان اروپا به ایران را با رد روادید، لغو کرد.

خانم کرونبرگ به منظور اعتراض به رفتار دولت ایران و برای نشان دادن نارضایتی خود و دیگر نمایندگان اروپا، تصمیم گرفت تعدادی از نمایندگان نهادهای مدنی ایرانی تبار را که در اروپا زندگی می‌کنند و مستقل از دولت ایران می‌باشند، به پارلمان اروپا دعوت کند تا نمایندگان پارلمان که عضو کمیسیون ایران هستند با آنان از وضعیت حقوق بشر و مسائل اتمی ایران به گفتگو بپردازند.

این نشست در روز سه شنبه هشتم آذرماه ۱۳۹۰ (۲۹ نوامبر ۲۰۱۱) با شرکت افراد زیر در پارلمان اروپا برگزار شد:

- آندرو سوان و آندرا هاک: نمایندگان مردمان و ملل بدون نماینده
- آن - ماری وان دن برکن و لیدیا بونس: از سازمان بین‌المللی مراقبت از حقوق بشر در ایران
- جلال ایجادی: استاد دانشگاه پاریس، عضو حزب سبزه‌های فرانسه، نماینده شورای شهر پاریس و متخصص محیط زیست: در باره دریاچه ارومیه، زاینده رود، انرژی اتمی و دیگر مشکلات زیستگاهی
- سارا وادر: سخنگوی جامعه بین‌المللی بهائیان

• صادق صبا: مدیر بخش زبان پارسی رادیو، تلویزیون و وب گاه بی بی سی

• مانیوس پالمگرن: نماینده کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای کارگران

• مهدی اصلانی: زندانی سیاسی سابق، در باره وضعیت زندانیان سیاسی  
• ناهید جعفرپور: از سوی بخش زنان جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران، در باره وضعیت زنان در ایران

در این کنفرانس به هر یک از سخنرانان پنج دقیقه وقت داده شد تا نقطه نظرات خود را در باره موضوعی که دعوت شده بودند، بیان کنند.

سخنان این جلسه توسط مترجمین رسمی به زبان های آلمانی، فرانسه، هلندی، انگلیسی، اسپانیائی و چند زبان دیگر اروپایی ترجمه می شد.

این کنفرانس همزمان با حمله ماموران و دانشجویان رژیم به سفارت انگلیس برگزار می‌شد و خانم تاریا کرنبرگ از سوی خودش، خانم کاترین آشتون و اروپا، حمله به سفارت انگلیس در تهران را محکوم کرد.

پس از پایان سخنان مهمانان، نوبت پرسش و پاسخ به دیگر حاضرین در سالن داده شد. در این بخش، یکی از اعضای اتحاد برای ایران، ضمن تشریح اهداف این نهاد از نمایندگان اروپا خواست که آن‌ها را در راه رسیدن به دموکراسی، صلح و ایران بدون بمب اتم کمک کرده و برای آزادی همه زندانیان سیاسی - عقیدتی از هیچ اقدامی کوتاهی نکنند. ایشان گفت که اتحاد برای ایران، در برگیرنده همه ایرانیان آزادیخواه است و به هیچوجه گرایشی به حزب، گروه و دسته خاصی ندارد و در عین حال با هواداران و اعضای همه آنان آماده همکاری است.

در پرونده ای که از سوی پارلمان اروپا برای نمایندگان، رسانه‌ها و تمام حاضرین در سالن کنفرانس درست شده بود، بیانیه مطبوعاتی سازمان خارج از کشور جبهه ملی ایران، با تیتراژ «ما اورانیوم غنی شده نمی‌خواهیم، ما ایران را می‌خواهیم» پخش شد و پیام سید حسین کاظمینی بروجردی، زندانی سیاسی کنونی، که قرار بود تلفنی توسط نماینده ایشان، خانم مریم مؤذن زاده، خوانده شود، به دلیل مشکلات فنی عملی نشد اما از طریق ایمیلی در اختیار خانم کورنبرگ قرار

داده شد.

نمایندگان در اویش، بهائیان و مردمان بی دولت و سندیکای کارگران نیز به نوبه خود در باره زندانی شدن و عدم آزادی برای اعضا و هواداران خود صحبت کرده و اعتراضات خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشتند.

در آغاز برنامه، ریاست جلسه به طور کوتاه در باره وضعیت ناگوار حقوق بشر، موقعیت انرژی اتمی ایران و خطر جنگ در منطقه خاورمیانه هشدار داد. ایشان اعلام نمودند که در ۱۹ ماه دسامبر، نشست مهم دیگری در باره مسئله اتمی ایران، در پارلمان اروپا برگزار خواهد شد.

پس از خانم کرنبرگ، آقای باستیان بلدر یکی از نمایندگان اروپا از کشور هلند و عضو کمیسیون روابط ایران و اروپا در باره دو لایحه جدید ضد زن که در مجلس ایران در حال تصویب شدن است، صحبت کرده و آن قوانین را ارتجاعی و ضد بشری خواند و از خانم کرنبرگ خواست تا با شدت بیشتری دولت ایران را محکوم کند.

در زیر سخنان بعضی از سخنرانان آورده می شود.

#### • آقای صادق صبا از بی بی سی:

اولین سخنران از سوی ایرانیان آقای صادق صبا بود که از پارازیت، حقوق بشر و قوانین بین‌المللی رسانه‌های همگانی و لزوم رعایت آن‌ها از سوی دولت‌های عضو سازمان ملل و به ویژه از حق مردم به استفاده آزادانه از رسانه‌ها اشاره کرد و نسبت به دستگیری روزنامه نگاران ایرانی ابراز تأسف نمود.

صادق صبا گفت که دسترسی مردم ایران به منابع متفاوت و مستقل خبری از حقوق اولیه آنهاست و دولت ایران با پارازیت اندازی بر روی کانال‌های ماهواره ای مردم را از این حق محروم می کند.

او تاکید کرد که این اقدام حکومت ایران نقض آشکار یکی از اصول مهم حقوق بشر است.

آقای صبا در ادامه افزود که حکومت جمهوری اسلامی همچنین با بازداشت کسانی که از ایران به عنوان تحلیلگران مستقل با بی بی سی مصاحبه می کنند، حق آزادی بیان را از آنان سلب می کند.

او به بازداشت آقای حسن فتحی اشاره کرد که حدود دو هفته پیش بعد از انفجار در یکی از مراکز نظامی سپاه پاسداران در نزدیک ملارد کرج با بی بی سی مصاحبه کرد و بلافاصله بازداشت شد و خانواده اش هیچ اطلاعی از او ندارند.

آقای صبا گفت که حکومت ایران از ماهواره های غربی برای پخش برنامه های رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی استفاده می کند. ولی با پارازیت اندازی بر روی کانالهای دیگر بر روی همان ماهواره ها دیگران را از این حق محروم می کند.

او گفت که صاحبان ماهواره ها و جامعه جهانی باید همه تلاش خود را به کار گیرند تا اجازه ندهند که حکومت ایران به این راحتی بر روی کانال های تلویزیونی پارازیت بیاندازد.

آقای صبا در ادامه اظهارات خود از قطعنامه اخیر پارلمان اروپا که حکومت ایران را به دلیل پارازیت اندازی محکوم کرده بود، استقبال کرد.

■ متن سخنرانی آقای مهدی اصلانی: " تابستان ۶۷، پرونده ایست هنوز ناگشوده "

خانمها، آقایان!

سلام بر شما. از شما متشکرم که این فرصتِ مغتنم را در اختیار من قرار داده اید.

این نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی از ورود هیئتهای نمایندگی به ایران جلوگیری به عمل می آورد. به عنوان نمونه چندی پیش نیز و پس از آنکه جامعه جهانی جهانی از سر تعامل همه پیششرطهای نظام اسلامی مبنی بر غیر اروپایی و مسلمان و مرد بودن گزارشگر ویژه سازمان ملل را پذیرفت، از ورود آقای احمد شهید به ایران ممانعت به عمل آوردند.

خانمها آقایان! اگر شما به گونه ای ادواری با این شکل از عدم تعامل این عنصر شریر و اصلاح ناپذیر جامعه جهانی یعنی نظام اسلامی مواجهه می شوید، این نظامِ خداسالار از بدو تولدش، روزانه بی هیچ تعاملی با شهروندان خود، نوعی تحقیر اجتماعی را بر جامعه ایرانی تحمیل کرده است.

شما قرار بود در سفرتان به تهران با مسئولین نظام اسلامی در

مواردی همچون حقوق بشر و برنامه‌ی هسته‌ای "گفت‌وگوی سازنده" داشته باشید. پس به من اجازه دهید کمی از موقعیت خود و ارتباط آن با نقض حقوق بشر و غیر سازنده بودن این حد از تعامل بگویم.

من یکی از بازمانده‌گان کشتار سراسری در زندان‌های ایران در تابستان سال ۱۳۶۷ هستم. سالی که پس از پایان جنگ ایران و عراق به فرمان بالاترین مقام مذهبی-سیاسی ایران آیت‌الله خمینی و همراهی و هم‌دستی تا ئیدآمیز تمامی کار به‌دستان نظام اسلامی که بسیاری‌شان در مقام قضاوت و مسند قدرت هستند دست‌کم نزدیک به چهار هزار نفر زندانی حکم گرفته‌ای نظام اسلامی در فاصله‌ای کم‌تر از یک ماه در مقابل هیئت مرگ منصوب از جانب آیت‌الله خمینی که یادآور دادگاه‌های تفتیش عقاید در دوران مدرن بود قرار گرفته و سهمیه‌ی گورستان‌های بی‌نام و نشان شدند. تکرار می‌کنم دست‌کم نزدیک به چهار هزار نفر، این کشتار بی‌بدیل که به جهت سکوت همه‌ی دولت‌مردان وقت همچنان در نظام اسلامی یک راز دولتی است، متأسفانه در زمان وقوع با سکوتی جهانی نیز مواجه شد. شادمانی از پایان یافتن جنگی هشت ساله و بازگشت جمهوری اسلامی به جامعه‌ی جهانی و کمک به بازسازی و سهم‌بری از نفت و دیگر مزایای اقتصادی بی‌تردید در چشم بستن بر آن اسیرکشی نقشی انکارناپذیر داشت.

خانم‌ها آقایان! شما در سفر احتمالی‌تان به ایران فرصت نمی‌کردید یا این فرصت به شما ارزانی نمی‌شد تا از مکانی که می‌خواهم به شما معرفی کنم، دیدار کنید. این مکان گورستانی متروکه در کیلومتر سیزده جاده‌ی خراسان در جنوب شرقی تهران است. گورستانی که پس از انقلاب دفن‌گاه بی‌خدایان، مشرکان و کفار و بهائیان شد. این گورستان که حکومتیان آن را لعنت‌آباد نام نهادند، امروز از جانب خانواده‌های قربانیان گلزار خاوران نامیده می‌شود. خاوران امروز مکانی است برای فراموش نکردن. آن‌چنان که آشویتس و داخائو نزد همه‌گی‌مان چنین مرتبتی دارد. خاوران دفن‌گاه پاره‌ای از روشنفکران و فعالین سیاسی ایرانی است که تنها به جهت داشتن فکر مخالف در گورهای بی‌نشان جای گرفته‌اند. هنوز دفن‌گاه هزاران اعدامی دیگر بر ما دانسته نیست. در تابستان شصت و هفت اما به جهت ابعاد و ویژه‌گی جنایت، اعدام‌شده‌گان را پس از دار زدن، با کامیون‌های یخچال‌دار حمل گوشت بدین مکان حمل و شبانه در گورهای جمعی پنهان کرده‌اند.

خاوران تنها گورستانی از این دست نیست که مشهورترین آن است. اغلب گورهای جمعی پس از سرنگونی حکومت‌ها کشف می‌شوند و محافل حقوق

بشری از آنها به عنوان اسناد آشکار جنایت علیه بشریت سخن به میان می‌آورند. خاوران را اما مادران ایران زمین زمانی کشف کردند و با چنگ و ناخن شخم زدند، که هنوز حکومت اسلامی پابرجا است. خاوران شناسنامه‌ی دگراندیش کُشی نظام اسلامی می‌باشد.

برای یافتن اورانیوم غنی شده و برنامه‌ی اتمی جمهوری اسلامی شما نیازمند دستگاه‌های پیچیده و ماهواره‌های فوق مدرن هستید، اما اگر گذارتان به گورستان خاوران افتاد، با کمی خراش خاک به استخوان می‌رسید. حفاری خاوران یعنی کشف استخوان هزاران جان جوان و غیبت انسان. حکومتیان بارها قصد تخریب و تغییر جغرافیای این مکان را داشته‌اند. مادران خاوران اما این گورستان را برای روز دادخواهی عادلانه که دور نیست حفظ کرده‌اند.

امروز که این شانس نصیب من شده تا از این مکان خواست هزاران خانواده و وجدان زخمی و بیدار، که جز دادخواهی عادلانه نمی‌باشد را پژواک دهم، آنچه از دست‌تان بر می‌آید برای ثبت و حفظ این مهم‌ترین بنای یادبود و سند جنایت جمهوری اسلامی دریغ نکنید و کشتار تابستان ۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسید و برخوردی شایسته‌ی قاتل داشته باشید!

متشکرم.

### • متن سخنرانی آقای جلال ایجادی

آقای جلال ایجادی که یک استاد دانشگاه در پاریس و عضو شورای شهر پاریس از سوی حزب سبز فرانسه می‌باشد، یکی از کارشناسان ایرانی در خارج از کشور در امور زیستگاهی ایران می‌باشد. ایشان در پارلمان، در مدت زمان کوتاهی که در اختیار داشت، از نابسامانی‌های زیستی و بی‌توجهی و نادانی رژیم ایران در این رشته سخن گفت:

با سپاس فراوان از پارلمان اروپا و خانم تاریا کرونبرگ رئیس کمیسیون ایران، خوشحالم که فرصتی یافتم تا مسائل حادی چون ویرانگری زیست محیطی و سیاست اتمی جمهوری اسلامی را در این پارلمان مطرح نمایم. در ایران زندگی انسان‌ها در خطر دائم است، آزادی پیوسته منکوب می‌شود، حقوق بشر هم از نظر سیاسی و هم از جهت زیست محیطی پایمال می‌گردد. داشتن زندگی سالم در زیستگاه سالم حق هر فرد است و علیرغم اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی این اصل را برسمیت می‌شناسد ولی در کردار مداوم زیستبوم ایران مورد هجوم رژیم موجود است. سیاست حکومت در تناقض با محیط زیست سالم می‌باشد.

باشد. بعنوان نمونه از دریاچه ارومیه دستخوش یک بحران جانفرسای اکولوژیکی است. این دریاچه شش هزار کیلومتری طی ۱۵ سال اخیر ۶۰ درصد سطح آب های خود را از دست داده و اگر اوضاع به همین صورت ادامه پیدا کند تا سه سال از بین خواهدرفت. این وضع ناگوار ناشی از عوامل زیر است:

- ایجاد بیش از سی سد و تعداد بسیاری چاه عمیق در اطراف این دریاچه بمنظور استفاده از آب جهت فعالیت کشاورزی و مصرف صنعتی
- ایجاد جاده میانگذر برای خودرو ها و برای راه آهن جهت وصل نمودن ساحل شرقی به ساحل غربی
- وارد کردن آب های آلوده و پساب های صنعتی به درون دریاچه با اجازه مقامات دولتی.

دریاچه ای که بیش از سی هزار سال قدمت دارد در حال مردن است و دولت کوچکترین اقدام در جهت حفظ آن نکرده است. دولت پیوسته از هرگونه تخصیص بودجه جهت بهبود وضع ممانعت نموده است. اقدام حکومت جهت خشک کردن دریاچه اقدامی است که نزدیک سی سال ادامه دارد. برآستی از خود می توان پرسش نمود چرا حکومت برای نابودی دریاچه کمر همت بسته است؟ برخی از رسانه ها برآنند که در کف این دریاچه معادن اروانیوم وجود دارد و از آنجا که رژیم خواهان دستیابی بدان است، آگاهانه در پی خشک نمودن دریاچه ارومیه می باشد. طی این دوران تخریبی هرگونه نظر دهی و هشدار متخصصان و طرفداران محیط زیست پیوسته نا دیده انگاشته شده است و فعالین و مدافعان محیط زیست، دریاچه ارومیه مورد سرکوب قرارگرفته اند.

امکان نجات دریاچه هنوز موجود است و اروپا می تواند کمک کند و با درخواست یک کنفرانس بین المللی در ایران به حکومت فشار وارد آورد تا با باز نمودن سدها از فشار روی دریاچه کاسته شود. بیش از چهل سال است که ایران کنوانسیون رامسر را امضا نموده ودریاچه ارومیه در لیست مورد توجه کنوانسیون قرار دارد.

ویرانگری زیست بومی را نیز در سایر نقاط ایران می توان مشاهده کرد. زاینده رود که بطول ۳۵۰ کیلومتری باشد، بدنبال مدیریت نادرست مسئولان در بخش شرقی خود خشک شد و تولید و زندگی اقتصادی تعداد بیشماری از کشاورزان اصفهان نابود گردید. هزاران شکایت توسط کشاورزان به دادگاه تسلیم شده است و آنها خواهان حقوق و حقا به خویشند. اخیرا زیر فشار مردم مقدار کمی از آب پشت سدها به



جریان افتاده است و در واقع قصد رژیم فقط نرمش در یک دوره کوتاه است. حال آنکه اصفهان خواهان آنست تا دوباره آب ها زیر پل ها رها شود و به سیاست سرا پا اشتباه دولت پایان داده شود. تالاب گاوخونی نابود شده است. تالاب انزلی در بحران اکولوژیکی عمیقی بسر می برد. دریاچه بختگان خشک شد، کارون بحرانی است و دریای مازندران بطور شدید آلوده است. جنگل ها تخریب می شوند، بیودیورسیت و میراث طبیعی ایران بطور جدی تهدید میگردد.

جنبه دیگر در باره سیاست اتمی حکومت اسلامی است. این سیاست، ماجراجویانه، بحران زا، و در برابر سیاست مسالمت آمیز است. مردم ما آتم نمیخواهد، در ایران آزادی نظر موجود نیست تا شهروند ایرانی نقد و نظر خود را آشکار بیان کند. توسعه سیاست اتمی از نظر اقتصادی اشتباه محض است، برای کشوری که سیصد روز آفتابی دارد و منابع فسیلی بیشمار در آن وجود دارد. هدف رژیم اسلامی هدف سیاسی و نظامی است و او خواهان دسترسی به بمب اتم است. امری که به زیان منافع مردم ایران و امر صلح می باشد. اروپا باید سیاست قاطع و روشن نسبت به رژیم حاکم داشته باشد. مداخله نظامی در ایران درست نیست. ولی فشار و مجازات اقتصادی نفتی و نیز فشار روی مسئولان سیاسی و نظامی درست است. ۸۰ درصد بودجه ۳۵۰ میلیارد یورو ایران متکی بر درآمد نفتی است. اگر شرکت های نفتی غربی نفت ایران را نخرند، رژیم ایران از نفس می افتد. اتحادیه اروپا باید سیاست قاطع نسبت به رژیم ایران داشته باشد. اما متأسفانه منافع گوناگون کشورهای اروپائی مانع یک سیاست قدرتمند است. اروپا می تواند به مردم ایران مدد برساند، حمایت از دمکراسی خواهی و فعالان حقوق بشر و نیز حمایت فعال از طرفداران زیستبوم یک وظیفه بین المللی است. از توجه همه شما سپاسگزارم.